



هنرهای تجسمی

پرتال جامع علوم انسانی

مسجد، جلوه‌گاه هنر معماری اسلامی

محمود ماهرالنقش

اعراب، زمانی که شام را به تصرف خود درآوردند به جز شعر از هنرهای دیگر بهره‌چندانی نداشتند. بعد از شکستن بت‌ها، مجسمه‌سازی در شمار بت‌پرستی محسوب و تحریم شد. مجسمه‌سازان که کوشش خود را در راه ایجاد نقوش برجسته به کار انداختند و از تراش سنگ و گچ‌بری شکل‌های فراوان به وجود آوردند. مجسمه‌سازانی که با چوب سر و کار داشتند، به ساختن در و پنجره، طاق، منبر، رحل قرآن، روی آوردند و آن‌ها را زیبا ساختند. در تزیین آن کمال دقت و ظرافت را به کار بردند که نمونه آن لوحی است که در تکریت (عراق) به دست آمده و هم‌اکنون در موزه مترو پلین نیویورک موجود است.

هنر اسلامی، در آغاز به معماری و سفال‌کاری و تزییناتی مشابه منحصر می‌شد. در این زمان شغل اعراب بدوی عمدتاً تجارت بود و ذوق هنری چندانی



درآیین: مسجد جامع، نمای خارجی، ۷۰۳ هـ. ق.

نداشتند و در بنای کاخ‌ها از آداب و رسوم هنری روم شرقی، شام، بین‌النهرین، مصر، ایران و هند اقتباس می‌کردند و بنابه اقتضای زمان تا آنجا که می‌توانستند از سلیقه خود استفاده کرده و تغییراتی در کار هنر به وجود می‌آوردند. نقش‌های قبه‌الصخره در بیت‌المقدس و مسجد ولید دوم در دمشق کلاً رومی است. اعراب از شیوه‌های کاشی‌کاری بابل قدیم و آشور نیز استفاده برده‌اند.

مسلمانان اعراب پس از آنکه در ایران بسیاری از آثار ادبی و هنری ساسانیان را مخدوش و یا از بین بردند، از اهمیت آن همه هنر به خود آمدند، آثاری که در آن زمان از بین رفت از اهمیت زیادی برخوردار بود مانند ستون‌های طاق ضربی و مدور، نقش‌های گل و بوته و اشکال هندسی و نقاشی‌های زیادی که شیوه معروف عربی (عریسک) از آن زاده شد. تزیین عربی تقلیدی ماهرانه از هنرهای دیگر کشورها بود. هنر اسلامی که از قصرالحمراء اسپانیا تا تاج محل هند رواج گرفت از حد زمان و مکان خود فراتر رفت، رنگ، نژادها را نصادیده گرفت و اقوام را پشت سرگذاشت. شیوه‌هایی تازه ابداع کرد. ظرافت به آن‌ها داد و هر روز احساساتی را برانگیخت تا تازه‌هایی را بهتر از قبل به نمایش بگذارد.

معماری اسلامی یک هنر مذهبی صرف بود، خانه‌هایی که ساخته می‌شد از مجسمه، گچ‌بری و یا نقاشی از جانداران - که مذهب آن را تحریم کرده بود - اثری نبود. خانه را برای یک زندگی کوتاه بنا می‌کردند ولی ساختمان‌هایی که اثر جاوید داشت بسیار محکم و زیبا می‌ساختند مانند خانه خدا (مسجد)، پل‌ها، حمام‌ها، مخزن‌های آب (سد) آب‌نماها، قلعه‌ها، باروها و مناره‌ها که از آن‌ها آثار اندکی به جا مانده است. این بناها یادگار معمارانی است که بیشترشان مسیحی بودند و بعداً به اسلام گرویدند.

مورخان نوشته‌اند که قصر عضدالدوله در شیراز

سبب و شصت اطاق داشت که هر کدام را به نام یکی از روزهای سال نام‌گذاری کرده بودند و هر کدام از اتاق‌ها را به رنگی درآورده و یک اتاق وسیع در دو طبقه مخصوص کتابخانه ساخته شده بود و نویسنده مسلمانی نبود که یک نسخه از کتابش در این کتابخانه نباشد. مسلمانان نسبت به دین‌شان، سنت‌هایی را برای خود قرار داده بودند، مثلاً باغ‌هایی تدارک می‌دیدند که در آن از میوه‌های بهشتی که در قرآن کریم از آن نام برده شده بود می‌کاشتند.

خانه، مکان امنی برای زندگی بود. خانه فضایی بود که از چهار طرف با اتاق‌ها و ساختمان‌های مسکونی محصور می‌شد و آن را چنان می‌ساختند که از آرامش خاصی برخوردار باشد و از هیچ طرف اشرف بر آن نباشد.

خانه‌های بزرگان دارای بیرونی و اندرونی بود. بیرونی مخصوص ملاقات با افراد غیر و غریبه و آن‌هایی که با صاحب‌خانه سر و کار داشتند و اندرونی مخصوص اعضاء خانواده و زندگی روزمره به کار گرفته می‌شد.

در هر شهری فضای ساختمان‌ها به طریقی تعبیه می‌شد که با آب و هوای آن سازگار و همگون باشد. مثلاً در آب و هوای کویری از بادگیرها استفاده می‌کردند و در شهرهایی که هوای چهار فصل داشت از باغات زیادی که احداث می‌شد بهره می‌بردند.

در ساختمان‌ها از در و پنجره چوبی استفاده می‌شد و تزییناتی که در آن‌ها به کار می‌رفت از گره چوبی و تزیینات خاصی به شکل نقش‌های هندسی و نقوش متنوع و شیشه‌های کوچک رنگی استفاده می‌شد که از برون نتوانند داخل اتاق را ببینند و از درون بتوانند خارج از اتاق را مشاهده کنند. تزیینات چوبی روز به روز رونق بیشتری گرفت و کار هنر به دست هنرمندانی بود که از ذوق هنری وافر برخوردار بودند.

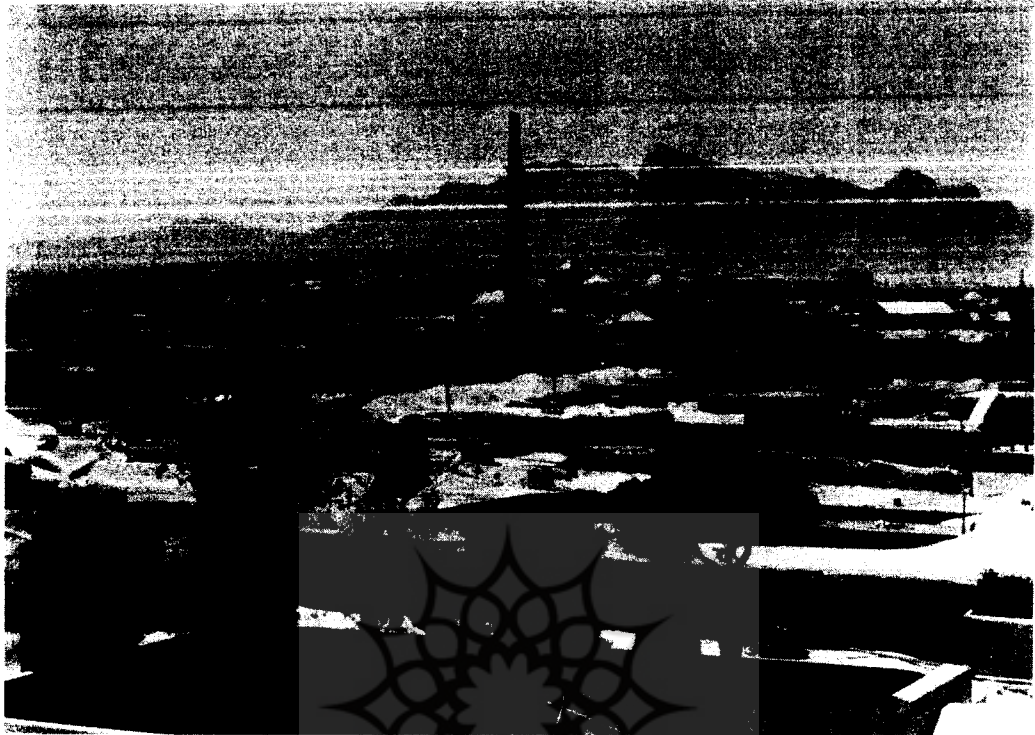
هنرورانی که به منبت کاری چوب و عاج اشتغال

داشتند، با هنر خود مساجد و رحل قرآن‌ها و اثاث و ظروف فلزکاری که از دوره ساسانیان رواج داشت دنبال کردند. فلزکاران مسلمان بر آن شدند که از این هنر به ارث برده ساسانیان با مفرغ و برنج و یا مس به ظروف ساخته شده دست مانند چراغ، جام، کوزه، تنگ، تشت و منقل و همچنین اشیایی دیگر مانند کبوتر و دیگر پرندگان بپردازند و چنان به آن زینت بخشیدند که نام آن‌ها جاودانه مانده است.

بعضی از هنرمندان هنر خود را با نقش فرو رفته و برجسته با طلا و نقره آغاز کردند و کارهای زیبا به شیوه دمشق ارایه کردند. شمشیر دمشقی را که از فولادآبدار ساخته شده بود یا به نقوش برجسته یا فرو رفته که با خط عربی با اشکالی از خطوط با طلا و نقره که بر روی آن کوبیده شده بود به وجود آوردند. خلاصه فلزکاران مسلمان پس از فتوحات، با فرهنگ بلاد هم آهنگ شدند و با زمان خود به پیش رفتند.

در ساختمان‌ها از در و پنجره چوبی استفاده می‌شد و تزییناتی که در آن‌ها به کار می‌رفت از گره چینی و تزیینات خاصی به شکل نقش‌های هندسی و نقوش متنوع و شیشه‌های کوچک رنگی به کار هنرمندان پایان می‌داد.

هنر سنگ و فلز به ساختمان‌ها کشیده شد و هر روز برای زیبایی بخشیدن به زندگی، کار تازه‌ای را شروع می‌کردند سنگ حوض‌هایی به دست استادان سنگ تراش تراشیده شد و لبه سنگ‌ها را با پیچش‌های مختلف توگرد و برجسته تزیین کردند و در حوضخانه‌ها و فضای حیاط‌ها به نمایش گذاشتند. شیرهای سنگی که از ابهت خاصی برخوردار بود تراشیدند و در جلوی گوشک‌ها و در مکان‌هایی که در خور ابهت شیر بود نصب کردند که در حال حاضر نمونه از آن را در دو طرف پل خواجوی اصفهانی می‌توان مشاهده کرد. سنگ‌های ازاره را با بهترین ابزار تزیین به پای دیوارهای اماکن نصب کردند و روح



تازه‌ای در کالبد ساختمان‌ها دمیدند. تزیینات با رقابت

تازه‌ای در کالبد ساختمان‌ها دمیدند. تزیینات با رقابت همراه شد و هر روز بهتر از روز قبل بر نقش سنگ‌ها

افزوده شد. ستون‌های سنگی و سر ستون‌ها با نقش‌های گل برجسته و پیچک‌هایی که به دور ستون پیچیده شده بود با زیبایی و دلربایی خاص خود پایه ستون را به سر ستون وصل می‌کرد و با زبان بی‌زبانی می‌گفت اگر پایه نباشد سر ستون وجود نخواهد داشت.

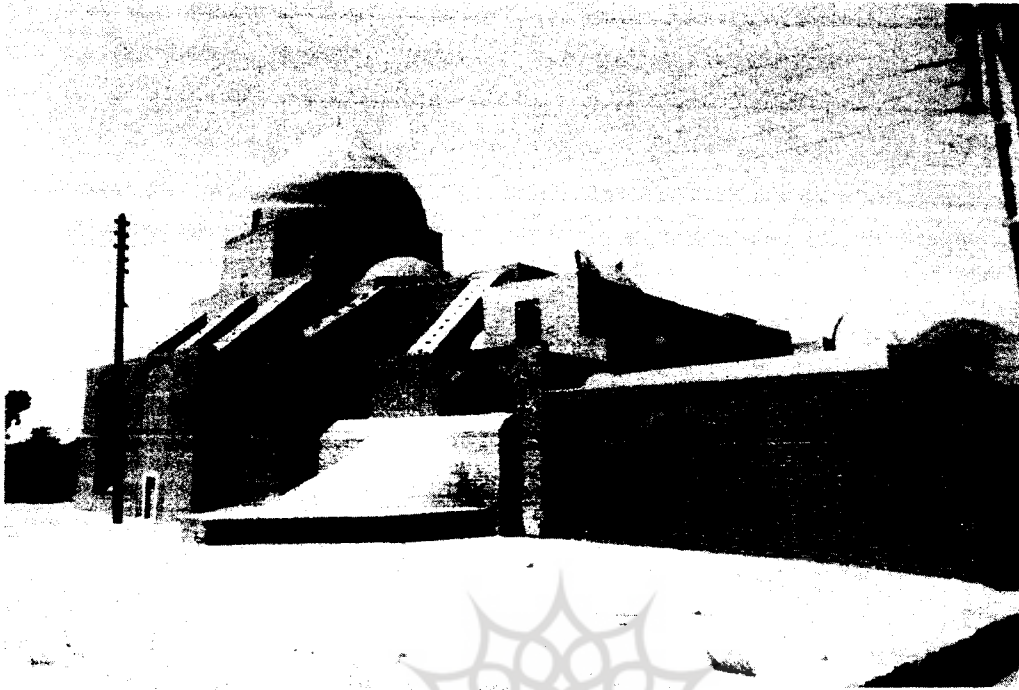
فلزکاران از قافله نیز عقب نماندند و با گل میخ‌ها و میخ‌های فلزی، چفت لولا و تزییناتی دیگر که به ابتکار خود تهیه می‌کردند و روی هر کدام نقشی از مشبک کاری و قلم زنی به وجود می‌آوردند و بر در و پنجره و ارسی‌ها می‌کوبیدند و زیبایی‌های در و پنجره را در چندان می‌کردند، گویی رقابتی سخت در بین هنرمندان در گرفته بود.

به‌طور کلی مسلمانان از ساده بودن روند زندگی لذت می‌بردند. اتاق‌ها با یک قالی فرش می‌شد شاید در

مردم عادت داشتند که چهارزانو روی زمین بنشینند و سفره غذا را در وسط اتاق پهن کنند و در اطراف آن غذای دسته جمعی میل فرمایند در اطراف اتاق یشتی‌ها یا بالش‌هایی قرار می‌دادند و اتاق‌های بزرگ بعضی از خانه‌ها در بالای آن شاه‌نشینی ساخته بودند تا افراد بزرگ فامیل را در شاه‌نشینی پذیرایی کنند.

مسلمانانی که ثروت کمتری داشتند و پرهیزکاری پیشه آن‌ها بود و از اقامه نماز در بین مردم در مساجد روح تازه‌ای در کالبد خود می‌دمیدند. هنرمندان در اماکن مذهبی بیشترین هنر خود را صرف می‌کردند

بهبود روح و جسم و باطنی را در اولویت قرار می‌دادند و از تزیینات با رقابت لذت می‌بردند. اتاق‌ها با یک قالی فرش می‌شد شاید در



مسجد جامع اردستان، نمای بیرونی

بتوانند از هر محله‌ای که نزدیک مسجد است بدان روی آورند و گردهم به نماز دسته‌جمعی بپردازند.

نوعاً مساجد از بیرون مجلل نبودند مگر سردری که می‌توانست بسیار زیبا ساخته شده باشد و شهادت دهد که در این مکان خانه خدا وجود دارد و مسلمین می‌توانند به آسانی و با پشتوانه و اتکاء به حق داخل آن شوند و با خدای خود راز و نیاز کنند، دیوارها از آجر ساخته می‌شد و فاصله بین آجرها را با گچ بندکشی می‌کردند.

مسجد عبارت بود از صحنی که در وسط آن حوضی تعبیه می‌شد که در آنجا وضو بسازند. مساجد در آغاز یک ایوانی و بعداً به دو ایوانی و سپس به چهار ایوانی تبدیل شد، ایوان‌ها سایه‌بان‌هایی خوبی بودند که مسلمانان از گزند باد و باران و آفتاب مصون باشند، بعداً شبستان‌هایی به مساجد اضافه شد که در زمستان بتوانند از جای گرم‌تری استفاده کنند. شبستان‌های زیر گنبد که فضایی تقریباً مربع شکل بود به ارتفاع زیادی

چون جنبه عمومی داشت و همه افراد جامعه از غنی و فقیر بکنواخت از این اماکن استفاده می‌کردند. هنرمندان با خلوص نیت هنر خود را پیشکش خدا می‌کردند و از حس زیبایی‌بینی که خداوند به آن‌ها عنایت کرده بود هر چه در توان داشتند به پیشگاه خدایی که خالق همه زیبایی‌هاست و آن را در دسترس اشرف مخلوقات قرار داده است، تقدیم می‌کردند. دیگر مردمانی که از مکنت خوبی برخوردار بودند با تقدیم دیگر نیازهای یک مسجد مانند زیلو، فرش و ملزومات یا مصالح مورد نیاز برای ساختن قسمتی از مسجد شتاب می‌کردند تا مسجد را از هر جهت بی‌نیاز کنند. مسلمانانی که تهی دست بودند با کارکردن در مسجد دین خود را به پیشگاه خداوند تقدیم می‌داشتند. هر مسلمانی به حد توان خود هدایایی به مسجد که خانه خدا بود می‌داد و این پیشکشی را توشه‌ای برای آخرت خود می‌دانست. مساجد معمولاً در مکان‌هایی ساخته می‌شد که دو یا سه محله را به هم پیوند دهد تا مردم



اصفهان مسجد سید، قاجاریه

گرفته‌اند. مسلمانان ایران نیز شکل استوانه را از هند، و مسلمانان آفریقا طرح مناره چهارگوش را از چراغ دریایی معروف اسکندریه اقتباس کردند. می‌توان گفت برج‌های چهارگوش که معبد قدیم دمشق بر آن استوار شده بود در شکل‌گیری مناره اسلامی بی‌تأثیر نبوده است.

در اوایل اسلام مناره‌ها ساده و بی‌پیرایه بود، بعدها، بر ارتفاع آن افزودند و اطراف آن را با آجر کاشی‌تزیین کردند. قبل از اسلام مناره‌هایی در بین شهرها می‌ساختند و بر فراز آن آتش روشن می‌کردند و به نام برج یا میل راهنما معروف بود. بعداً که اسلام دین رسمی مردم شد، مناره‌ها را بسیار زیبا ساختند و بر بالای آن مأذنه‌ای تعبیه کردند تا مؤذن بتواند از بالای آن اذان را به گوش مسلمانان برساند و مردم را برای اقامه نماز دسته جمعی دعوت کند. در مکان‌های مناسب اتاقی برای تدریس به نام مدرس ساخته می‌شد که هر روز طالبان علم را در این مکان گرد هم می‌آورد تا از

یعنی حدود ۶ تا ۱۰ متر می‌ساختند و بر فراز آن گنبدی مدور با ساقه یا بی‌ساقه که ساقه آن می‌توانست در حدود یک تا سه متر باشد. اطراف ساقه گنبد را تا آنجا که مقدور بود پنجره‌هایی برای تهویه هوا می‌ساختند این شبستان‌ها بدون در و پنجره ساخته می‌شد که در تابستان هوا بتواند کوران داشته باشد و هوای زیر گنبد را خنک نگهدارد و داخل شبستان زیر گنبد را با مصالحی که درخور شأن آن مسجد بود زیبا می‌ساختند. این مصالح عبارت بود از سنگ ازاره و کاشی‌کاری و آجرکاری و محرابی بسیار زیبا. شبستان‌ها معمولاً چهارگوش (مربع شکل) ساخته می‌شد این شبستان‌ها با تدابیر معماری زمان خود به ساختن گوشواره‌هایی در گوشه‌های مربع آن را به هشت ضلعی و سپس به دایره تبدیل می‌کردند تا بتوانند دایره گنبد را روی آن قرار دهند. مهم‌ترین امتیاز مسجد، مناره‌هایی بود که در مساجد تعبیه می‌شد. گویند طرح مناره را مسلمانان شام از برج زیگورات بابل و برج ناقوس کلیسای مسیحی

می‌شدند، به‌طور مثال منبر مسجد شاه اصفهان از سنگ مرمر و به شکل یکپارچه ساخته شده و در محلی ثابت قرار دارد. منبر مسجد حکیم اصفهان از چوب ساخته شده است. ارتفاع منبرها متفاوت بود، تفاوت ارتفاع آن با توجه به تعداد پله‌های منبر کم و زیاد می‌شد. هنرمندان با ساختن منبرهایی از چوب با نقش‌های گره و نوشته‌هایی که از عاج و آبنوس بود با تزیینت گره‌چینی عجیب می‌شد و زیبایی دست هنرمندان را به نمایش می‌گذاشت. دیگر هنرمندانی که با فلز سر و کار

شبستان مسجد جامع اصفهان محراب اونجا بنو



فیض مدرسان بهره‌مند شوند. چون قبله مسلمین خانه کعبه است، مسجد را رو به قبله می‌ساختند و یک محراب به سمت قبله با بهترین تزیینات که عبارت بود از کاشی‌کاری، آجرکاری، مقرنس، قطار آیاتی از کلام‌اله مجید احداث می‌کردند تا هر مسلمانی که وارد مسجد می‌شود بتواند قبله را تشخیص و فرائض دینی خود را انجام دهد. مساجد درب جنوبی نداشتند چون وارد شدن پشت به قبله را مکروه می‌دانستند. قرار دادن تظهير در جنوب مسجد حرام بود و وضوخانه و محل تظهير را در شرق، شمال یا غرب مسجد می‌ساختند درب‌های یک مسجد می‌توانست از شرق، شمال و غرب باشد. درب‌هایی که نصب شده بود در وسط هر یک زنجیری آویخته شده بود که وسط این زنجیر به کلاهک بالای چهارچوب و دو سر آن به دو بازوی چپ و راست متصل بود، این زنجیر به نام زنجیر بست مشهور بود و افراد خطاکاری که تحت تعقیب بودند زمانی که وارد مسجد می‌شدند از تعرض مصون بودند. در بیشتر مساجد ساعت‌های آفتابی نصب می‌کردند تا بتوانند از ظهر شرعی با اطلاع باشند، در مساجد محل نمازگزاران از فضای مسجد مستثنی بود تا مردمی که از محله‌ای به محله دیگر عبور داشتند بتوانند به راحتی از آن استفاده کنند و محل نمازگزار را با مشخصه‌ای مانند سنگ دوال جدا می‌کردند که افراد ناپاک داخل آن نشوند. مسلمانان آداب و رسوم مساجد را کاملاً محترم می‌شمردند و آن را رعایت می‌کردند و پای‌بند آن بودند. آیات قرآنی و اسامی ائمه با تنوع خط‌ها به داخل مساجد کشیده شد و اطراف محراب، اطراف گنبد و کتیبه‌ها را با آیاتی از قرآن کریم بر روی کاشی‌ها نوشتند، شبستان‌ها و دیگر مکان‌هایی از مسجد را با این خطوط زینت بخشیدند. در و پنجره‌ها را با نقش‌های مختلف گره‌چینی و در جای مناسب آن نصب کردند. مساجد دارای منبر بودند، منبرها در مساجد متفاوت بودند و از چوب، سنگ و دیگر مصالح ساخته

مصالح دیگر.

معماری اسلامی از این هنرها کمک گرفت و در کشورهای مختلف مانند عربستان، بین‌النهرین، هند، شام، ایران، مصر، تونس، سیسیل، اسپانیا و مراکش مسجدها برپا شد. از جمله مساجدی که بنا کردند می‌توان از مسجد مدینه، بیت‌المقدس، مکه معظمه، مسجد جامع دمشق، کوفه، بصره، شیراز، اردبیل، نیشابور، مسجد بزرگ تونس، مسجد عقبه در قیروان و مسجد ارزق در قرطبه که تنها نام این مساجد را می‌توانیم بگوئیم زیرا از صدها مسجدی که در دوران‌های مختلف ساخته شده تقریباً ده مسجد قابل تشخیص به جا مانده و بقیه در اثر زلزله یا به احتمال قوی در جنگ‌ها از میان رفته است.

در ایران هم مانند سایر بلاد پس از این که مردم اسلام را پذیرا شدند مساجدی بس زیبا ساخته شد که معماری اسلامی را به وجود آورد. مقدسی از مساجدی در ایران یاد می‌کند که در کمال شکوه و عظمت بود حتی از مساجد مدینه و دمشق کمبودی نداشته‌اند. مسجد نیشابور با ستون‌های مرمر و صفحات طلا بر دیوارهایی که نقوش فرو رفته و برجسته داشته و از عجایب روزگار زمان خود بوده است. در شرق ایران مسجد هرات در نوع خود بی‌نظیر بوده است. از مطالعه گچ‌بری‌ها و ستون‌هایی که از محراب مسجد ویرانه نائین به جا مانده می‌توان به اهمیت این مسجد پی برد. مناره‌های مسجد تاری‌خانه و مسجد جامع دامغان که با زیبایی خاصی ساخته شده از جلال و عظمت معماری ایران سخن می‌گویند. محراب مسجد جامع اردستان یکی از زیباترین محراب‌های به جا مانده از معماری ایران است.

داشتند توانستند فلز را با چوب همراه کنند و تزیین تازه‌ای به چوب ببخشند. هنرمند می‌توانست نام خود را در گوشه‌ای از کار خود حک کند اما چون هنرمندان هنر دست خود را تقدیم به پیشگاه حضرت احدیت می‌کردند، کمتر کسی بود که نامی از خود به یادگار بگذارد.

سامیان تصویر انسان و حیوان را در نقاشی‌های خود ممنوع کرده بودند و هنروران مسلمان به تلافی این تحریم توانستند طرح‌های زیادی از غیر انسان و حیوان به وجود آورند. هنرمندان اشکال هندسی، خط، زاویه، دایره، مارپیچ و اشکال هندسی را در هم تلفیق کردند و از این تلفیق هزارها طرح به وجود آوردند. آنان از طرح‌های گیاهی استفاده کردند و آن‌ها را به میان اشکال هندسی که طراحی کرده بودند کشیدند و نوآوری پشت نوآوری بود که به وجود آوردند. طراحی گیاهی شامل گل‌ها، برگ‌ها، شاخه‌ها و نخل‌ها بود که به تصویر کشیدند. با خط نستعلیق و نسخ و ثلث اطراف محراب، و دور تا دور کتیبه‌های ایوان‌های مساجد را تزیین کردند و هر جا که لازم بود گل و برگ گیاهی هم برای تزیین این خطوط می‌افزودند، در نقاشی‌های روی گچ، از گیاهان مختلف مانند گل نیلوفر، گل سرخ و گل‌های دیگر و شاخ و برگ‌ها و گاهی با تصویر پرندگان استفاده می‌شد.

خاتم‌کاری، سفال‌سازی، مینیاتور، پارچه بافی و قالیبافی هنرهای دیگری بود که در کنار هنر اسلامی به مقامی شامخ دست یافت. هنرمندانی که در این رشته‌ها فعالیت داشتند با زبردستی که در این کارها نشان دادند هنر خود را در ردیف دیگر هنرها عرضه کردند. همه این نقش‌ها از وحدت و نظم خاصی برخوردار بود و مانند یک نت موسیقی، از اول تا آخر نقش را به هم پیوند می‌داد. مواد در نظر هنرمندان مشکلی نداشت و از هر مصالحی که می‌توانستند هنر بیافریند استفاده می‌کردند مانند طلا، نقره، مفرغ، آهن، چوب، عاج و...